

بررسی رابطه بین ترس از صمیمیت و سبک‌های هویتی با تعهد زناشویی افراد متأهل

Examination of The Relationship Between Fear of Intimacy and Identity Styles and Marital Commitment of Married Couples

H. Heidari, M. A.

N. Karimian, Ph.D. Student

S. Salari, M. A.

حسین حیدری

فوق لیسانس مشاوره خانواده دانشگاه هرمزگان

✉ نادر کریمیان

دانشجوی دکتری مشاوره خانواده، پژوهشکده آموزش و پرورش کردستان

سمانه سالاری

فوق لیسانس مشاوره خانواده دانشگاه هرمزگان

دریافت مقاله: ۹۲/۶/۳

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۳/۱۱/۱۱

پذیرش مقاله: ۹۳/۱۱/۱۲

Abstract

Introduction: given the importance of marital commitment in stability and health of family system, the aim of this study was to investigate the relationship between fear of intimacy and identity styles with marital commitment of married couples. **Materials and Methods:** The present study is a descriptive and correlation research. The population was the married staff of the University of Hormozgan in academic year of 1391-92 (lunar calendar), that -

چکیده

با توجه به اهمیت تعهد زناشویی در سلامت و پایداری نظام خانوادگی، مطالعه حاضر با هدف بررسی رابطه بین ترس از صمیمیت و سبک‌های هویتی با تعهد زناشویی افراد متأهل انجام گرفت. پژوهش حاضر تحقیقی توصیفی از نوع مطالعات همبستگی می‌باشد. جامعه آماری شامل کلیه کارمندان متأهل دانشگاه هرمزگان در سال تحصیلی ۹۲-۹۱ بود که از بین آن‌ها ۱۱۹ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند.

✉ Corresponding author: Institute of education research, Kurdistan, Iran
Email: naderk65@yahoo.com

✉ نویسنده مسئول: سنج، سهراب شالمان، پژوهشکده آموزش و پرورش کردستان
پست الکترونیکی: naderk65@yahoo.com

119 people of them were selected by available sampling. Data was collected using fear of intimacy inventory (Carol Descanter and Mark Telen, 1991), identity models (Berenski, 1990) and marital commitment questionnaires of Adams and Jones (2003). Data were analyzed based on Pierson correlation and concurrent regression models by SPSS 21.

Results: The results of the regression analysis demonstrated a negative correlation between fear of intimacy and marital commitment.

It was found that variables of informational and vague identity can affect marital commitments. **Conclusion:** It is expected that people with no fear of intimacy and more affective identity styles, show deeper marital commitment. Suggestions for educational and therapeutic programs are made to help people to achieve more successful identity style and modify their opinion about intimacy.

Keywords: Fear of Intimacy, Identity Styles, Marital Commitment.

داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه‌های ترس از صمیمیت کارل دسکانتنر و مارک تِلن (۱۹۹۱)، سبک‌های هویتی برزونسکی (۱۹۹۰) و تعهد زناشویی آدامز و جونز (۲۰۰۳) گردآوری گردید. داده‌های پژوهش با روش‌های همبستگی پیرسون و رگرسیون همزمان در نرم افزار SPSS21 تحلیل گردید. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که بین ترس از صمیمیت و تعهد زناشویی همبستگی منفی وجود دارد. و متغیرهای تعهد اطلاعاتی و تعهد سردرگم - اجتنابی می‌توانند تبیین‌کننده تعهد زناشویی در افراد باشند. هر چه افراد دارای ترس از صمیمیت کمتر و سبک‌های هویتی کاراتری باشند این انتظار می‌رود که تعهد زناشویی و وفای به عهد به مراتب در آن‌ها نیز بالاتر برود. لذا پیشنهاد می‌شود برنامه‌های آموزشی و درمانی جهت دستیابی افراد به سبک‌های هویتی موفق‌تر و تغییر نگاه آن‌ها نسبت به صمیمیت صورت گیرد.

کلیدواژه‌ها: ترس از صمیمیت، سبک‌های هویتی، تعهد زناشویی.

مقدمه

ازدواج موفق پایه و بنیانی عالی برای ایجاد خانواده‌ای شاد و محکم می‌باشد و زندگی شاداب‌تر و بهتر انسان‌ها در گرو افزایش ازدواج‌های موفق می‌باشد (میر محمدصادقی، ۱۳۸۴). ازدواج موفق حاوی سه رکن اساسی تعهد، جاذبه و تفاهم است. تعهد زناشویی، قوی‌ترین و پایدارترین عامل پیش‌بینی‌کننده کیفیت و ثبات رابطه زناشویی است (موسکو، ۲۰۰۹). برای اکثر افراد ازدواج مهم‌ترین قرارداد و تعهد زندگی می‌باشد. در ازدواج‌های موفق عناصر زیر موجود است: صمیمیت، تعهد، ارتباط عاطفی، مهارت‌های حل تعارض و معنویت (مسترز^۲، ۲۰۰۸). تعهد مادام‌العمر به ازدواج، وفاداری نسبت به همسر خویش، ارزش‌های اخلاقی قوی، احترام نسبت به همسر خویش به‌عنوان

بهترین دوست و تعهد و وفاداری جنسی و عاطفی از ویژگی‌های ازدواج‌های پایدار با عمری بالای ۲۰ سال هستند (ویلکاکس^۳ و همکاران، ۲۰۰۶).

آریاجا و آگنیو^۴ (۲۰۰۱) تعهد زناشویی^۵ را به معنای تمایل فرد جهت حفظ دائمی ازدواج و وفادار ماندن به همسر، خانواده و ارزش‌ها تعریف کرده‌اند و آن را شامل اجزای رفتاری، شناختی و عاطفی دانسته‌اند. مسئولیت، گذشت و فداکاری، وفاداری به قول و عهد، اعتماد و عشق و دوست داشتن از ویژگی‌های تعهد است (آنجلیس^۶، ۱۳۸۲؛ کاپینوس و جونز^۷، ۲۰۰۳). سه نوع تعهد زناشویی را مشخص کردند: ۱. تعهد به همسر (فداکاری)^۸ که به معنای تمایل فرد برای باقی ماندن در رابطه است و سه عامل در آن دخیل است: افراد موجود در رابطه، جذب رابطه شدن و هویت زوج‌ها. ۲. تعهد اخلاقی^۹ (تعهد به ازدواج) عملی است که فرد اخلاقاً متعهد می‌شود به رابطه ادامه دهد و شامل اعتقاد به ارزش‌های زیر است: عمل به قول خود، پاسداشت ازدواج به عنوان یک نهاد اجتماعی و اخلاقی و حفظ ازدواج به‌عنوان یک مسئولیت مقدس و ۳. تعهد ساختاری^{۱۰} (حس در دام افتادن^{۱۱}) که به معنای ادامه دادن اجباری به ازدواج به خاطر وضعیت فرزندان، مسائل مالی و... است. بدون تعهد رابطه سطحی، ظاهری و بدون سمت و جهت خواهد بود (تبعه امامی، ۱۳۸۲). دین و اسپانسر (۲۰۰۵)، به نقل شاه سیاه، بهرامی و محبی، ۱۳۸۸) اعتقاد دارند که تعهد ثبات زناشویی را افزایش می‌دهد. به اعتقاد آن‌ها رابطه‌هایی با تعهد بالاتر، انعطاف‌پذیرترند و زوجین آرامش و امنیت روانی بیشتری دارند. تحقیقات نشان می‌دهد زوجینی که در مورد تعهد خود در قبال همسر و دیگران به بلوغ فکری لازم نرسیده‌اند و رفتاری دوسوگرایانه دارند، در ازدواج و در رابطه با دیگران دچار مشکل می‌شوند و غالباً نتیجه امر بی‌وفایی خواهد بود (کالهن^{۱۲}، ۲۰۰۴؛ آنجلیس، ۱۳۸۲).

عدم تعهد، معشوقه‌بازی و بی‌بندوباری جنسی با کاهش رضایت جنسی، افسردگی، شکاکیت، بالا رفتن امکان جدایی و بی‌اعتمادی در رابطه مرتبط است (مسترز، ۲۰۰۸ و تیلگمن و همکاران، ۲۰۰۸). تحقیقات مختلف عواملی چون رضایت زناشویی، داشتن مهارت‌های حل مسئله مناسب و سرمایه‌گذاری در ازدواج و ویژگی‌های شخصیتی و روانی فرد را از مهم‌ترین عوامل پیش‌بینی‌کننده تعهد زناشویی دانسته‌اند (گودفرند و آگنیو^{۱۳}، ۲۰۰۸؛ لی، سان و چائو^{۱۴}، ۲۰۰۱؛ کریمیان، کریمی و بهمنی، ۱۳۹۰).

اساس چرخه زندگی افراد بشر دو وظیفه کلیدی است؛ اولی صمیمیت و دیگری هویت. دستیابی موفق به این دو فاکتور لازمه داشتن روابط صمیمانه و پایدار می‌باشد. طلاق درحالی که گسستن ارتباط و صمیمیت با یک شریک خاص است، می‌تواند فرد را به یک هویت فردی مشخص و متمایز برساند (هاروی، ۱۳۸۸؛ استرنبرگ^{۱۵}، ۱۹۸۰) نیز عشق را در قالب سه مؤلفه صمیمیت، شور و شهوت و تعهد مطرح کرد. به نظر استرنبرگ (۱۹۸۷) صمیمیت احساساتی است که نزدیکی، تعلق و تماس را ایجاد می‌کند. اما ترس از صمیمیت، به طور کل یک هراس اجتماعی یا اختلال اضطرابی می‌باشد که اغلب به صورت ترس ناخودآگاه از نزدیکی با دیگران می‌باشد و به کرات روابط شخصی را تحت

تأثیر قرار می‌دهد (لاوسون و همکاران، ۲۰۰۹). این ترس معمولاً ناشی از حوادث تلخ گذشته مانند سوءاستفاده جنسی و تجاوز به عنف می‌باشد (تلن^{۱۶} و همکاران، ۲۰۰۰).

محققان بر اهمیت پیوند صمیمانه میان همسران تأکید می‌کنند و آن را برای ایجاد هویت خانوادگی مطمئن لازم می‌دانند. صمیمیت، با ایجاد بعد خاص و مثبت در زندگی زناشویی و تأمین بهداشت روانی اعضای خانواده، عاملی محافظت‌کننده و نیرومند در برابر مشکلات فردی و اجتماعی است و تأکید بر روابط صمیمی بین زن و شوهر در خانواده، در مقایسه با تأکید بر دیدگاه‌های فردی، به درک و شناخت بهتر رفتارهای مسئله‌دار و تغییر آن‌ها کمک می‌کند (هاروی، ۱۳۸۸).

به اعتقاد گود (۱۳۸۸) عمده‌ترین هراس بسیاری از زوجها این است که ازدواج و صمیمیت عاطفی با یک شریک، استقلال فردی را از آنان بگیرد. از این رو این افراد مدام از تعهد و پایبندی به یک همسر می‌گریزند. جانسون و ویفن (۲۰۰۳) معتقدند مسئله اساسی در پایبند نبودن زوجها به ازدواج و علت اصلی عدم صمیمیت آن‌ها، دل بستگی نایمن^{۱۷} است، زیرا ناامنی روابط را تخریب و آشفته‌گی هیجانی ایجاد می‌کند. سبک‌های دل بسته نایمن و اجتنابی در مقایسه با ایمن‌ها، علاقه کمتری به ایجاد روابط رمانتیک و تجربه صمیمیت نشان می‌دهند.

این بی‌علاقگی در خصوص تعهدپذیری‌های طولانی‌مدت به اوج خود می‌رسد (دون وان، ۱۳۸۶). فاصله‌گیری از صمیمیت و فرار از تعهد به دلیل ترس از پیامدهای منفی (مانند طرد شدن یا مورد سوءاستفاده قرار گرفتن) به صورت خودآگاه انجام می‌گیرد (حسینی، ۱۳۹۰). سبک‌های دل بستگی نایمن و اجتنابی با رضایت زناشویی پایین همبسته (تیموری، غلامعلی لواسانی و بخشایش، ۱۳۹۱) و پیش‌بینی‌کننده جو خانوادگی سرد والدین و هم‌چنین فرزندان‌شان (آزاد موسوی و جلالی، ۱۳۹۳) می‌باشد.

بعضی از نظریه‌پردازان نقش هویت را در شکل‌گیری صمیمیت برجسته نموده‌اند. از نظر سالیوان (۱۹۵۳)، به نقل از پرلمن و قهر، (۱۹۸۷) نیاز به صمیمیت بین فردی برای اولین بار در طول عمر آدمی در مرحله کوتاه اما مهم پیش‌نوجوانی پدیدار می‌شود (اریکسون، ۱۹۶۳؛ به نقل از وایت، ۲۰۰۹). موفقیت‌آمیز بودن بحران هویت در مقابل سردرگمی نقش را پیش‌شرط لازم برای تجربه صمیمیت دانسته است. از نظر اریکسون دستیابی موفقیت‌آمیز به هویت موجب اولین تکلیف بزرگسالی یعنی رشد احساس صمیمیت حقیقی می‌شود. انجام تکالیف اصلی نوجوانی، رشد مرزهای صمیمی با دیگران، نگرانی درباره نسل‌های آینده و درک زندگی بدون دستیابی به درک واضحی از هویت غیرممکن است (مک لین و پاسیوتی^{۱۸}، ۲۰۱۰؛ شولتز^{۱۹}، ۲۰۰۷). اریکسون پایه‌های درک رشد هویت در نوجوانان را بنا کرد و سپس این موضوع توسط مارسیا و برزونسکی با طرح مراحل رشد هویت و پردازش شناختی هویت گسترش یافت (وایت^{۲۰}، ۲۰۰۹). برزونسکی سه جهت‌گیری شناختی متمایز (سبک‌های هویت) را نام می‌برد: ۱. سبک اطلاعاتی که تمایل بررسی راه‌حل‌های

مختلف یک مسئله و بررسی انتخاب گوناگون قبل از تعهد به یکی از آن‌ها دارد. ۲. سبک هنجاری رشد را هم‌نویسی با انتظارات خانوادگی و اجتماعی می‌داند. ۳. سبک سردرگم - اجتنابی که تمایل به تعویق انداختن تعهد و تصمیم‌گیری دارد (شوارتز و مولیس^{۲۱}، ۲۰۱۰).

آدامز و جونز هویت را یکی از مؤلفه‌های تعهد شخصی دانسته‌اند (کاپینوس و جانسون^{۲۲}، ۲۰۰۳). به اعتقاد آنان افرادی که درک روشنی از هویت خود دارند، برای روابط شخصی بیشتر اهمیت قائل می‌شوند و پایبندی به تعهدات را یکی از نشانه‌های بلوغ فکری و شخصیتی می‌دانند. افراد دارای سبک پردازش هویت سردرگم - اجتنابی از برخورد با مشکلات شخصی، تعارضات و تصمیم‌گیری‌ها اجتناب می‌کنند. مطالعات انجام شده از رابطه مثبت بین سبک هویت سردرگم و ابتلا به آسیب‌های روانی حمایت کرده‌اند. این سبک با راهبردهای مقابله‌ای هیجان‌محور، انتظار کنترل بیرونی، ناتوان‌سازی خود، راهبردهای تصمیم‌گیری ناسازگار، دمدمی‌مزاجی، روان‌رنجورخویی، افسردگی و اضطراب ارتباط مثبت و نیز با خودآگاهی، پایداری شناختی، وجدان و مؤلفه‌های زندگی بهینه ارتباط منفی دارد (برزونسکی، ۲۰۰۳، ۱۹۹۶).

بین سبک‌های هویت فرد و سبک‌های دلبستگی اجتنابی و اضطراب رابطه مستقیم وجود دارد و معمولاً افرادی که دارای سبک هویت سردرگم - اجتنابی می‌باشند از برقراری روابط عاطفی صمیمانه و تداوم آن عاجزند (جنیفر، جو و هنز، ۲۰۱۲). واحدی، فتح‌آبادی و فتاحی (۱۳۹۱) در مطالعه خود نقش جدایی روان‌شناختی دانشجویان دختر و پسر را در دستیابی به سبک‌های هویت بهنجار نشان داده‌اند. از سوی دیگر بین طلاق و جدایی با خودداری و ناتوانی از برقراری روابط صمیمانه، غالب شدن عشق خودخواهانه بر کل شخصیت، تمایزافتگی ناقص، تعریف هویت از طریق موفقیت شخصی و خودشیفتگی رابطه وجود دارد (هاروی، ۱۳۸۸).

تعهد به همسر و عدم خیانت برای اکثر افراد پدیده‌ای مهم و ارزشمند می‌باشد، اما در فرهنگ اسلامی و ایرانی ما جایگاه ویژه‌ای دارد و یکی از معیارهای تداوم رابطه، سنجش میزان موفقیت خانواده، شخصیت و رشدیافتگی افراد می‌باشد. با توجه به اهمیت تعهد زناشویی و از آن جایی که در ادبیات پژوهشی داخلی کمتر به بررسی مؤلفه‌های مرتبط با تعهد پرداخته شده است، این مطالعه با هدف بررسی رابطه ترس از صمیمیت و سبک‌های هویتی با تعهد زناشویی افراد متأهل انجام گرفت.

روش

تحقیق حاضر یک مطالعه توصیفی از نوع همبستگی می‌باشد و به بررسی رابطه بین ترس از صمیمیت و سبک‌های هویتی با تعهد زناشویی افراد متأهل می‌پردازد. جامعه تحقیق حاضر را کلیه کارمندان متأهل دانشگاه هرمزگان در سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ تشکیل داده‌اند که شامل ۱۷۵ نفر بودند. به منظور انتخاب نمونه، بر اساس جدول کرجسی و مورگان ۱۲۰ نفر به روش نمونه‌گیری در

دسترس انتخاب گردید که ۱۱۹ نفر (۵۰ مرد و ۶۹ زن) از آن‌ها پرسش‌نامه‌ها را تکمیل و عودت دادند. جهت تحلیل داده‌ها از شاخص‌های آمار توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) و استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون به روش هم‌زمان) استفاده شد. داده‌های گردآوری شده با نرم‌افزار SPSS 21 تحلیل گردید.

ابزار سنجش

پرسشنامه تعهد زناشویی^{۲۳} (۲۰۰۳): پرسش‌نامه تعهد زناشویی (آدامز و جونز) دارای ۴۴ سؤال و سه خرده‌مقیاس (تعهد به همسر، تعهد به ازدواج و تعهد ساختاری) بوده و جواب سؤالات روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (قویاً موافقم تا قویاً مخالفم) ردیف شده است که از ۵ تا ۱ نمره‌گذاری می‌شوند. دامنه کلی نمرات بین ۱ تا ۱۷۲ می‌باشد و نمره بالاتر در این مقیاس به معنای تعهد زناشویی بالاتر است. آدامز و جونز (۱۹۹۷) در ۶ پژوهش مختلف به منظور به دست آوردن پایایی و روایی پرسش‌نامه، آن را روی ۴۱۷ نفر متأهل، ۳۴۷ نفر مجرد و ۴۶ نفر مطلقه اجرا کردند. در این مطالعات همبستگی هر سؤال با نمره کل آزمون بالا و معنادار بود و به طور کلی ابعاد این پرسش‌نامه از بیشترین حمایت تجربی و نظری برخوردار بود. آدامز و جونز میزان پایایی هر یک از مقیاس‌های این آزمون را روی نمونه مذکور به این شرح به دست آوردند: تعهد شخصی ۰/۹۱، تعهد اخلاقی ۰/۸۹، تعهد ساختاری ۰/۸۶ (به نقل از حاتمی وزنه، ۱۳۸۹). در اعتباریابی آزمون توسط شاه سیاه، بهرامی و محبی (۱۳۹۰) روایی محتوا توسط اساتید مشاور دانشگاه اصفهان تأیید شد و آلفای کرونباخ ۰/۸۵ به دست آمد. ضریب بازآزمایی نیز ۰/۸۶ به دست آمد. آلفای کرونباخ خرده‌مقیاس‌های تعهد به همسر، تعهد به ازدواج و تعهد اجباری به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۸۲ و ۰/۸۴ به دست آمد. در تحقیق حاضر نیز آلفای کرونباخ ۰/۷۵ به دست آمد.

پرسشنامه سبک‌های هویت^{۲۴} (ISI-G6): پرسش‌نامه سبک‌های هویت توسط برزونسکی در سال ۱۹۹۰ ساخته شده است. این پرسش‌نامه یک مقیاس ۴۰ سؤالی است که ۱۱ سؤال آن مربوط به مقیاس هویت اطلاعاتی، ۹ سؤال آن مربوط به مقیاس هویت هنجاری و ۱۰ سؤال آن مربوط به مقیاس هویت سردرگم یا اجتنابی و ۱۰ سؤال دیگر مربوط به میزان تعهد فرد هنگام اجرای پرسش‌نامه است که برای تحلیل ثانویه استفاده می‌شود و یک سبک هویتی محسوب نمی‌شود. پرسش‌نامه از پنج گزینه شامل کاملاً موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم و کاملاً مخالفم تشکیل شده است. نمره‌گذاری سؤالات ۹، ۱۱، ۱۴ و ۲۰ به صورت معکوس می‌باشد، به این صورت که کاملاً موافقم (۱) و کاملاً مخالفم (۵) می‌گیرد. برزونسکی ضریب آلفای کرونباخ سبک اطلاعاتی را ۰/۷۱، سبک هنجاری را ۰/۶۵، سبک سردرگم - اجتنابی را ۰/۷۵ و تعهد را ۰/۷۸ گزارش کرده است. هم‌چنین ضریب پایایی را به روش بازآزمایی و به فاصله دو ماه بین ۰/۷۱ تا ۰/۷۵ گزارش کرده

است. آفاجانی (۱۳۸۱) نیز پایایی سبک اطلاعاتی را ۰/۷۳، هنجاری ۰/۷، سردرگم - اجتنابی ۰/۶۹ و تعهد را ۰/۶۸ برآورد نموده است.

پرسشنامه ترس از صمیمیت^{۲۵} (۱۹۹۱): این پرسش‌نامه اولین بار توسط کارل دسکاتر و مارک تلن، برای اندازه‌گیری ترس از صمیمیت اجرا شد. این مقیاس دارای ۳۵ سؤال می‌باشد و جواب سؤالات روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (کاملاً این طور هستم تا اصلاً این طور نیستم) ردیف شده است که از ۵ تا ۱ نمره‌گذاری می‌شوند. نمره بالاتر در این مقیاس به معنای دارا بودن ترس از صمیمیت بیشتر می‌باشد.

هنجاریایی این آزمون در ایران توسط فلاح‌زاده، فرزاد و فلاح‌زاده (۱۳۹۰) بر روی یک نمونه ۵۶۷ نفری اجرا گردید. از این تعداد ۳۲۹ نفر زن (۵۸٪) و ۲۳۸ نفر مرد (۴۱/۹٪) بودند. تحلیل عاملی دو عامل را در بین ۳۵ سؤال آشکار ساخت: عامل اول ترس از صمیمیت در «رابطه با همسر» و عامل دوم ترس از صمیمیت در «رابطه با دیگران» است. هم‌سانی درونی کل مقیاس ۰/۸۳، عامل ۱، ۰/۸۱ و عامل ۲، ۰/۷۹ و ضریب اعتبار بازآزمایی کل مقیاس ۰/۹۲ و برای عامل‌های فرعی ۱ و ۲ به ترتیب ۰/۸۷ و ۰/۸۵ به دست آمد. تحلیل عاملی تأییدی نشان داد که داده‌ها از برازش خوبی برخوردارند. همبستگی منفی (۰/۵۸-) این مقیاس با مقیاس صمیمیت واکر و تامپسون (۱۹۸۳) حاکی از روایی و اگرایی آزمون است.

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش میانگین سن آزمودنی‌ها ۳۱/۵ سال و انحراف معیار آن ۷/۳۷ بود و میانگین مدت ازدواج نیز ۸/۲ با انحراف معیار ۶/۸ بود. از نظر میزان تحصیلات نیز ۲۸٪ دارای مدرک کاردانی، ۴۵٪ کارشناسی و ۲۵٪ هم دارای مدرک کارشناسی ارشد بودند. میانگین و انحراف معیار نمره‌های افراد در متغیرهای تعهد زناشویی، سبک‌های هویت و ترس از صمیمیت در جدول شماره ۱ بیان شده است.

جدول ۱: میانگین و انحراف معیار نمرات تعهد زناشویی، سبک‌های هویت و ترس از صمیمیت

متغیر	مردان		زنان	
	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین
تعهد زناشویی	۱۷/۷۵	۱۲۳/۵۴	۱۷/۴۳	۱۳۲/۶
تعهد ساختاری	۷/۳۵	۳۲/۳۵	۹/۵۹	۳۷/۲۷
تعهد اخلاقی	۵/۷۱	۳۴/۷۱۷۲	۶/۵۳	۳۷/۹۲
تعهد شخصی	۹/۸۸	۵۲/۶۴	۵/۶	۵۳/۳۵
هویت اطلاعاتی	۹/۶۷	۳۵/۹۰	۸/۹۲	۳۵/۷۴
هویت هنجاری	۵/۲۲	۳۳/۰۱	۴/۹۱	۳۲/۵۷
هویت سردرگم	۸/۱۱	۲۹/۱۵	۸/۲۸	۲۷/۴
ترس از صمیمیت	۳۹/۱۵	۹۳/۹۶	۲۶/۳۲	۸۳/۹۴

برای تعیین تأثیر هر یک از متغیرهای پیش‌بین بر واریانس تعهد زناشویی مردان، متغیرهای ترس از صمیمیت و سبک‌های هویتی به صورت هم‌زمان در معادله رگرسیون تحلیل شدند. نتایج آماری تحلیل رگرسیون در جدول ۲ ارائه شده‌اند.

جدول ۲: تحلیل رگرسیون به روش هم‌زمان برای تعهد زناشویی مردان و متغیرهای پیش‌بین

متغیرهای پیش‌بین	B	β	مقدار t	سطح معناداری
مقدار ثابت	۱۳۶/۹۶۸		۷/۵۳۵	۰/۰۰۰
هویت سردرگم - اجتنابی	-۰/۷۳۴	** -۰/۳۳۷	-۲/۴۳۴	۰/۰۱۹
هویت اطلاعاتی	۰/۵۵۹	** ۰/۳۰۶	۲/۲۴	۰/۰۲۳
هویت هنجاری	-۰/۴۳۹	-۰/۱۳۶	-۱/۰۱	۰/۳۱۷
ترس از صمیمیت	۰/۰۲۸	۰/۰۶۳	۰/۴۳۵	۰/۶۶۶
R=۰/۴۹۸ و RS=۰/۲۴۸ و ARS=۰/۱۷۳				

P<۰/۰۵**

با استفاده از روش رگرسیون هم‌زمان، مدل معناداری به دست آمد ($P < 0/05$ و $F_{4, 45} = 3/28$ و $F_{4, 45}$). بر اساس نتایج جدول ۲ و t مشاهده شده، حدود ۱۷ درصد از واریانس تعهد زناشویی توسط متغیرهای هویت اطلاعاتی و هویت سردرگم تبیین می‌شود. بنابراین با توجه به مقدار بتا و سطح معنی‌داری، به ترتیب هویت سردرگم ($Beta = -0/337$) و هویت اطلاعاتی ($Beta = 0/306$) قوی‌ترین متغیرها برای پیش‌بینی تعهد زناشویی در مردان می‌باشند. بقیه متغیرها، پیش‌بینی‌کننده‌های معناداری نشان ندادند.

برای تعیین تأثیر هر یک از متغیرهای پیش‌بین بر واریانس تعهد زناشویی زنان، متغیرهای ترس از صمیمیت و سبک‌های هویتی به صورت هم‌زمان در معادله رگرسیون تحلیل شدند. نتایج آماری تحلیل رگرسیون در جدول ۳ ارائه شده‌اند.

جدول ۳: تحلیل رگرسیون به روش هم‌زمان برای تعهد زناشویی زنان و متغیرهای پیش‌بین

متغیرهای پیش‌بین	B	β	مقدار t	سطح معناداری
مقدار ثابت	۱۵۲/۳۳۲		۱۲/۵۵۷	۰/۰۰۰
هویت اطلاعاتی	۰/۸۲۸	* ۰/۴۲۶	۴/۷۵	۰/۰۰۰
ترس از صمیمیت	-۰/۲۲۳	* -۰/۳۳۸	-۳/۵۹۷	۰/۰۰۱
هویت سردرگم - اجتنابی	-۰/۵۶	* -۰/۲۶۷	-۲/۹۱	۰/۰۰۵
هویت هنجاری	-۰/۴۶۵	-۰/۱۳۱	-۱/۴۶۶	۰/۱۴۸
R=۰/۷۳۱ و RS=۰/۵۳۵ و ARS=۰/۵۰۶				

P<۰/۰۱*

با استفاده از روش رگرسیون هم‌زمان، مدل معناداری به دست آمد ($P < 0/000$ و $F_{4, 41} = 18/41$ و $F_{4, 41}$).

بر اساس نتایج جدول ۳ و t مشاهده شده، حدود ۵۰ درصد از واریانس تعهد زناشویی زنان توسط متغیرهای هویت اطلاعاتی، هویت سردرگم و ترس از صمیمیت تبیین می‌شود. بنابراین با توجه به مقدار بتا و سطح معن‌اداری، به ترتیب هویت اطلاعاتی ($Beta=0/426$)، ترس از صمیمیت ($Beta=-0/338$) و هویت سردرگم ($Beta=-0/267$) قوی‌ترین متغیرها برای پیش‌بینی تعهد زناشویی در زنان بودند. هویت هنجاری پیش‌بینی‌کننده معناداری نشان نداد.

بحث و نتیجه‌گیری

در آستانه هزاره سوم ازدواج هم‌چنان به‌عنوان مهم‌ترین قرارداد زندگی شناخته می‌شود. تعهد زناشویی مهم‌ترین فاکتوری است که می‌تواند پایبندی به این قرارداد را تضمین کند. تعهدی که وفای به آن بیش از هر چیز دیگر ناشی از ویژگی‌های شخصیتی و روانی زوجها می‌باشد. پژوهش حاضر باهدف بررسی رابطه بین ترس از صمیمیت و سبک‌های هویتی با تعهد زناشویی کارمندان زن و مرد متأهل دانشگاه هرمزگان صورت گرفت. نتایج تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی تعهد زناشویی در مردان نشان داد که هویت سردرگم - اجتنابی به‌صورت منفی و هویت اطلاعاتی به‌طور مثبت پیش‌بینی‌کننده تعهد زناشویی می‌باشند. اما نتایج تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی تعهد زناشویی زنان نشان داد علاوه بر متغیرهای هویت اطلاعاتی و هویت سردرگم - اجتنابی، مؤلفه ترس از صمیمیت نیز به صورت منفی پیش‌بینی‌کننده تعهد در آنان می‌باشد. یعنی داشتن ترس از صمیمیت بالاتر با میزان تعهد زناشویی پایین‌تر در ارتباط است.

تأثیر ترس از صمیمیت در پیش‌بینی تعهد زناشویی تا حدی با مطالعات جانسون و ویفن (۲۰۰۳)، دون وان (۱۳۸۶) و گود (۱۳۸۸) هم‌خوانی دارد. جانسون و ویفن (۲۰۰۳) معتقدند مسئله اساسی در زوج‌های کمتر متعهد و علت اصلی عدم صمیمیت آن‌ها، دلبستگی نایمن است، زیرا ناامنی روابط را تخریب می‌کند و آشفتگی هیجانی ایجاد می‌کند. به اعتقاد آن‌ها کسانی که سبک‌های دلبستگی نایمن و اجتنابی را تجربه می‌کنند، الگوهای متفاوتی را در روابط صمیمانه به نمایش می‌گذارند. این افراد همیشه گوش‌به‌زنگ رفتارهای همسرانشان‌اند و به دلیل بروز این پریشان‌حالی‌ها، رضایت از رابطه کمتر و جدایی‌های بسیاری را تجربه می‌کنند. سبک‌های دلبستگی نایمن و اجتنابی در مقایسه با ایمن‌ها، علاقه کمتری به ایجاد روابط رمانتیک و تجربه صمیمیت نشان می‌دهند. این بی‌علاقگی در خصوص تعهدپذیری‌های طولانی‌مدت به اوج خود می‌رسد (دون وان، ۱۳۸۶). فاصله‌گیری از صمیمیت و فرار از تعهد به دلیل ترس از پیامدهای منفی (مانند طرد شدن یا مورد سوءاستفاده قرار گرفتن) و به‌صورت خودآگاه انجام می‌گیرد (حسینی، ۱۳۹۰). گود (۱۳۸۸) نیز نگرانی افراد از کنترل شدن توسط شریک‌شان را عاملی برای گریز از صمیمی شدن و متعهد شدن به دیگری می‌داند.

تأثیر نداشتن ترس از صمیمیت در پیش‌بینی تعهد زناشویی مردان با مطالعات شوماکر و هیل (۱۹۹۱) و گاررو و ریتر (۱۹۹۸) هم‌خوانی دارد. گاررو و ریتر (۱۹۹۸) جنسیت را به عنوان فاکتوری مهم در رابطه دلبستگی و صمیمیت قلمداد کرده‌اند. به گفته آنان گرایش ذاتی زنان به مراقبت از دیگری، عاملی است که آنان را در ایجاد فضای هیجانی ایمن یاری می‌کند. از این رو این احتمال وجود دارد که وجود سبک ایمن دلبستگی در زنان، رابطه را بیشتر تسهیل کند و تعهد طرفین برای ادامه رابطه را فزونی بخشد. شوماکر و هیل (۱۹۹۱) به نقل از حسینی (۱۳۹۰) نیز اعلام کردند که وجود سبک بی‌قرار در زنان (در مقایسه با وجود سبک بی‌قرار در مردان)، رابطه را به فروپاشی بیشتری خواهد کشاند. آنان نشان دادند وقتی زنان بی‌قرار بودند نه مردان ایمن و نه مردان نایمن، هیچ کدام از زنان نایمن‌شان حمایت نمی‌کردند.

تأثیر مثبت هویت اطلاعاتی و تأثیر منفی هویت سردرگم - اجتنابی در تبیین واریانس تعهد زناشویی زنان و مردان با نتایج تحقیقات جنیفر، جو و هنز، (۲۰۱۲)، کاپینوس و جونز (۲۰۰۳) و شوارتز و مولیس (۲۰۱۰) هم‌خوانی دارد. برزونسکی (۱۹۹۸، ۲۰۰۵) و برزونسکی و کوک (۲۰۰۰)، معتقدند افراد با سبک هویت اطلاعاتی، مهارت‌های مدیریت زندگی را می‌شناسند، در برابر افرادی با دیدگاه‌ها و سلیقه‌های متفاوت، گشوده و پذیرا هستند و شکیبایی از خود نشان می‌دهند و در نتیجه، روابط صمیمانه بیشتری را شکل می‌دهند.

آن‌ها از استقلال عاطفی برخوردارند و کمتر در جست‌وجوی تأیید دیگران هستند و نسبت به خود اطمینان دارند. در نتیجه، به راحتی می‌توانند با دیگران ارتباط برقرار کنند و بدون آن‌که استقلال و خودمختاری خود را از دست بدهند از حمایت عاطفی آن‌ها برخوردار شوند. افراد با سبک هویت اطلاعاتی در برابر مسائل و مشکلات زندگی، از راهبردهای مقابله مسئله‌مدار استفاده می‌کنند. در نتیجه در ضمن ارتباط با همسر، با تعارضات و اختلافات به نحو موفقیت‌آمیزی برخورد می‌کنند. افرادی که هویت روشن و مشخصی ندارند از این‌که خود واقعی‌شان را در رابط صمیمانه از دست بدهند نگرانند. بنابراین گاهی طلاق و شکستن تعهد را به عنوان راهی جهت دستیابی به هویت متمایز و دفاع از خود اصیل‌شان انتخاب می‌کنند (هاروی، ۱۳۸۸).

اریکسون (۱۹۶۳، به نقل از وایت، ۲۰۰۹) موفقیت‌آمیز بودن بحران هویت در مقابل سردرگمی نقش را پیش‌شرط لازم برای تجربه صمیمیت دانسته است که صمیمیت نیز لازمه تعهد پایدار به یک شریک می‌باشد. رشد مرزهای صمیمی با دیگران، نگرانی درباره نسل‌های آینده و درک زندگی بدون دستیابی به درک واضحی از هویت غیرممکن است (مک لین و پاسیوپاتی^{۲۶}، ۲۰۱۰؛ شولتز^{۲۷}، ۲۰۰۷). به اعتقاد شوارتز و مولیس (۲۰۱۰) افراد دارای سبک هویتی سردرگم - اجتنابی در کل تمایل به تعویق انداختن تعهد و تصمیم‌گیری دارند و حتی از این‌که خود را متعهد به کشف هویتی پایدار نمایند گریزان هستند و از پذیرش مسئولیت‌های بزرگسالی طفره می‌روند.

آدامز و جونز هویت را یکی از مؤلفه‌های تعهد شخصی دانسته‌اند (کاپینوس و جانسون، ۲۰۰۳). به اعتقاد آنان افرادی که درک روشنی از هویت خود دارند، برای روابط شخصی بیشتر اهمیت قائل می‌شوند و پایبندی به تعهدات را یکی از نشانه‌های بلوغ فکری و شخصیتی می‌دانند. افراد دارای سبک پردازش هویت سردرگم - اجتنابی از برخورد با مشکلات شخصی، تعارضات و تصمیم‌گیری‌ها اجتناب می‌کنند. این سبک با راهبردهای مقابله‌ای هیجان‌محور، انتظار کنترل بیرونی، ناتوان‌سازی خود، راهبردهای تصمیم‌گیری ناسازگار، دمدمی‌مزاجی، روان‌رنجورخویی، افسردگی و اضطراب ارتباط مثبت و نیز با خودآگاهی، پایداری شناختی، وجدان و مؤلفه‌های زندگی بهینه ارتباط منفی دارد (برزونسکی، ۲۰۰۳، ۱۹۹۶). بین سبک‌های هویت فرد و سبک‌های دلبستگی اجتنابی و اضطراب رابطه مستقیم وجود دارد و معمولاً افرادی که دارای سبک هویت سردرگم - اجتنابی می‌باشند از برقراری روابط عاطفی صمیمانه و تداوم آن عاجزند (جنیفر، جو و هنز، ۲۰۱۲).

به طور کلی نتایج پژوهش نشان داد که بالا بودن میزان ترس از صمیمیت و عدم دستیابی به هویت روشن و موفق، باعث کاهش میزان تعهد زناشویی زنان و مردان متأهل می‌شود. از این رو لازم است مشاوران و درمانگران در حل مشکلات زوجین و خانواده‌ها، به حل مشکلات بنیادی چون عدم دستیابی به هویت روشن و سبک‌های دلبستگی ناایمن و اجتنابی که زمینه‌ساز گریز از صمیمی شدن و شکستن تعهد می‌شود بپردازند که در این زمینه اثربخش بودن درمان‌های هیجان‌مدار، رفتاری التقاطی و روایتی از پیشینه پژوهشی مطلوبی برخوردارند. هم‌چنین لازم است با آموزش والدین و برنامه‌ریزی‌های تربیتی مناسب، زمینه دستیابی نوجوانان به سبک‌های بهنجار هویت را فراهم کرد.

محدود بودن جامعه پژوهشی از محدودیت‌های مطالعه حاضر می‌باشد که تا حدی تعمیم نتایج را با محدودیت مواجه می‌کند. بنابراین لازم است با تأمین اعتبارات لازم، چنین مطالعاتی در قالب طرح‌های ملی یا منطقه‌ای انجام گیرند.

تشکر و قدردانی: بدین وسیله از همکاری صمیمانه کلیه کارمندان دانشگاه هرمزگان قدردانی

می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|-----------------------|-------------------------|
| 1. Mosko | 15. Strenberg |
| 2. Masters | 16. Thelen |
| 3. Wilcox | 17. Insecure attachment |
| 4. Arriaga & Agnew | 18. McLean & Pasupathi |
| 5. Marital commitment | 19. Schultz |
| 6. Angelis | 20. White |
| 7. Kapinus & Johnson | 21. Schwartz & Mullis |

- | | |
|----------------------------|--|
| 8. Dedication | 22. Kapinus & Johnson |
| 9. Moral commitment | 23. Dimensions of commitment inventory |
| 10. Constraint commitments | 24. Identity Style Inventory |
| 11. Feeling trapped | 25. The Fear of Intimacy Inventory |
| 12. Calhoun | 26. McLean & Pasupathi |
| 13. Good friend & Agnew | 27. Schultz |
| 14. Lee, Sun and Chao | |

منابع

- آزاد موسوی، م. و جلالی، م. ر. (۱۳۹۳). رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری، سبک‌های دلبستگی و جو خانوادگی دو نسل والدین و فرزندان. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۱۰، ۳۷، ۹۷-۷۹.
- آقاجانی، م. (۱۳۸۱). *هنجار یابی مقیاس سبک‌های هویتی در بین دانشجویان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی تهران.
- آنجلیس، ب. د. (۱۹۹۹). *آیا تو آن گمشده‌ام هستی؟* ترجمه: هادی ابراهیمی (۱۳۸۲). تهران: انتشارات نسل نواندیش.
- تبعه امامی، ش. (۱۳۸۲). *تعیین و بررسی رابطه بین ویژگی‌های مرکزی و پیرامونی عشق و تعهد در بزرگسالان جوان متأهل دانشگاه اصفهان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- تیموری، ع.؛ غلامعلی لواسانی، م. و بخشایش، ع. (۱۳۹۱). *پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی و خود متمایزسازی*. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۸، ۳۲، ۴۶۳-۴۴۱.
- حاتمی وزنه، ا. (۱۳۸۹). *بررسی نقش واسطه‌ای سبک دلبستگی در رابطه بین سبک فرزندپروری و تعهد زناشویی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- حسینی، ب. (۱۳۹۰). *زوج‌درمانی تحلیلی (جلد اول)*. تهران: نشر جنگل.
- دون وان، ج. (۱۳۸۶). *زوج‌درمانی روابط موضوعی (ترجمه م تبریزی و همکاران)*. تهران: نشر فراروان. (تاریخ انتشار به زبان اصلی: ۱۹۹۶).
- ساروخانی، ب. (۱۳۷۷). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی (جلد دوم)*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سالنامه آماری استان گلستان. (۱۳۸۲-۱۳۸۳). سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گلستان.
- شاه سیاه، م.؛ بهرامی، ف. و محبی، س. (۱۳۸۸). *بررسی رابطه رضایت جنسی و تعهد زناشویی زوجین شهرضا*. *مجله علمی پژوهشی اصول بهداشت روانی*، (پیاپی ۴۳)، ۲۳۸-۲۳۳.
- صادقی، م. (۱۳۸۴). *آموزش پیش از ازدواج*. تهران: سازمان بهزیستی.
- فلاح‌زاده، ه.؛ فرزاد، و. و فلاح‌زاده، م. (۱۳۹۰). *بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس ترس از صمیمیت*. *فصلنامه پژوهش در سلامت روان‌شناختی*، ۵، ۲-۱، ۲۶۹-۲۵۲.
- کریمی، ن.؛ کریمی، ی. و بهمنی، ب. (۱۳۹۰). *بررسی رابطه ابعاد سلامت روان و احساس گناه با تعهد زناشویی افراد متأهل*. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۱، ۲، ۲۵۶-۲۴۳.
- گود، ن. (۱۳۸۸). *زندگی با شوهر کج‌مدار (ترجمه ف داورپناه)*. تهران: نشر رشد. (تاریخ انتشار به زبان اصلی: ۱۹۸۸).
- واحدی، ش.؛ فتح‌آبادی، ج. و فتحی، آ. (۱۳۹۱). *بررسی رابطه بین جدایی روان‌شناختی با سبک‌های هویتی دانشجویان*. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۸، ۲۹، ۱۰۰-۸۳.

هاروی، م. (۱۳۸۸). کتاب جامع زوج‌درمانی (ترجمه خ احمدی و همکاران). تهران: نشر دانژه. چاپ اول. (تاریخ انتشار به زبان اصلی: ۲۰۰۲).

- Arriaga, X. B., Agnew, C. R. (2001). Being committed: affective, cognitive and conative components of relationship commitment. *Personality and social psychology bulletin*, 27, 2, 1190-1203.
- Berzonsky, M. D. (2003). Identity style and well-being: Does commitment matter? *Identity*, 3, 3, 131-142.
- Berzonsky, M. D., & Ferrari, J. R. (1996). Identity orientation and decisional strategies. *Personality and Individual Differences*, 20, 597- 606.
- Bradford, W. W., & Nock, S. L. (2006). "What's Love Got to do with it? Equality, Equity, Commitment, and Women's Marital Quality." *Social Forces*, 84, 3, 1321-1345.
- Calhoun, C. (2004). An apology for moral shame. *The Journal of Political Philosophy*, 12, 2, 127-146.
- Erickson, R. J. (2005). Why emotion work matters: sex, gender, and the division of house hold labor. *Journal of Marriage and Family*, 67, 337-351.
- Gaia, A. C. (2002). Understanding emotional intimacy: A review of conceptualization, assessment and the role of gender. *International social science Review*, 77 (3, 4), 151-170.
- Goodfriend, W., Agnew, C. R. (2008). Sunken costs and desired plans. *Personality and social psychology Bulletin*, 37, 1639-1652.
- Harris, V. W. (2006). Marital quality, context, and interaction: A comparison of individuals across various income levels. *Socio Context*, 17, 1, 48-52.
- Jennifer, I. k., Joe, E. P., Hsns, S. (2012). Identity and intimacy during adolescence: Connections among identity styles, romantic attachment and identity commitment. *Journal of adolescence*, in press.
- Kapinus, C. A., & Johnson, M. P. (2003). The utility of family life cycle as a theoretical and empirical tool: Commitment and family life-cycle stage. *Journal of Family Issues*, 24, 2, 155-184.
- Lawson, David M., Brossart, Daniel F. (2009). "Attachment, Interpersonal Problems, and Treatment Outcome in Group Therapy for Intimate Partner Violence." *Psychology of Men & Masculinity*, 10, 4, 1524-9220.
- Lee, T.Y., Sun, G. H., & Chao, S. C. (2001). The effect of an infertility diagnosis on the distress, marital and sexual satisfaction. *Hun report*, 16 (8), 1762-7.
- MacCarthey, B. (1999). Marital style and its' effects on sexual desire and functioning. *J Fam Psycho Ther*, 10: 1-12.
- Masters, A. (2008). Marriage, commitment and divorce in a matching model with differential aging. *Review of Economic Dynamics*, 11, 614-628.
- McLean, K. M., & Pasupathi, M. D. (2010). Narrative Development in Adolescence. Springer New York Dordrecht Heidelberg London.
- Mosko, J. (2009). Commitment and attachment dimensions. In partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy: Purdue University.
- Perlman, D., & Fehr, B. (1987). The development of intimate relationships. In D. Perlman & S. Duck (Eds.)

- Phillips, T. M., (2008). Age-Related Differences in Identity Style, *Journal of Personality*, 19, 427-442.
- Schultz, I. E. (2007). The influence of maternal loss on young women s experience of identity development in emerging adulthood, Taylor & Francis Group, 31: 17-43.
- Schwartz, S. J., Mullis, R. L., Waterman, A. S., & Dunham, R. M. (2010). Ego Identity, Status, Identity Style, and Personal Expressiveness: An Empirical investigation of Three Convergent Constructs. *Journal of Adolescent Research*, 15, 256-264.
- Thelen, M. H., Jillon, S., Thomas, A., & Harmon, R. (2000). "Fear of Intimacy among Dating Couples." *Behave Modify*, 6, 3, 223-240.
- Tilghman-Osborne, C., Cole, D. A. (2008). Relation of Guilt, Shame, Behavioral and Character logical Self-Blame to Depressive Symptoms in Adolescents over Time, Guilford Publications. 27, 809-842.
- White, R. J. (2009). The role of parenting style, ethnicity, and identity style in identity commitment and career decision self-efficacy. *Doctoral dissertation*, University of Southern California.

